اصحاب و ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف

 قنبرعلي صمدي

چكيده

در اين نوشتار، با استفاده از منابع روائي شيعه موضوع ياران حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ويژگي‌ها و خصوصيات اسمي و مليتي آنان، تعداد اصحاب، جنسيت اصحاب (تعداد مرد و زن)، نحوه حضور و ياري رساني آنان و نيز وضعيت نيروهايي كه در هنگامة ظهور، براي حمايت از حضرت قيام مي‌كنند و… در دو محور: گروه اصحاب ويژه امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و گروه انصار و ياوران آن حضرت در هنگام ظهور، مورد بررسي قرار گرفته است.

كليد‌واژه‌ها: عصر ظهور، ياران حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ياران خاص مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف.

مقدمه

براساس آموزه‌هاي ديني، يکي از سنت‌هاي الهي در جهان اين است که هر پديده، مي‌بايد به صورت قاعده مند از راه فراهم آمدن شرايط و مقدمات آن به وجود آيد. اين اصل، در روايات اين گونه بيان شده است: «أبي الله أن يجري الأمور إلا بأسبابها فجعل لكل شئ سبباً؛ خداوند امتناع دارد از اين‌که امور را جز از راه اسباب آن فراهم آورد» (مازندراني، 1421: ج8، ص210).

تحولات و رخداد‌هاي اجتماعي نيز همانند پديده‌هاي تکويني، محکوم اين اصل مي‌باشد. بر اين اساس، تحقق هر انقلاب و رويداد اجتماعي، به زمينه‌ها و شرايط آن، وابستگي دارد. ظهور و قيام امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف نيز پيرو همين اصل است و بدون تحقق زمينه‌ها و شرايط آن، به وقوع نخواهد پيوست.

يکي از مهم‌ترين شرايط و مقدمات لازم براي تحقق ظهور، وجود ياوراني شايسته و لايق براي پشتيباني از قيام و انجام کارهاي حکومت جهاني است؛ زيرا سنّت الهي بر اين قرار گرفته که امور عالم از مجراي طبيعي و علل و اسباب عادي انجام گيرد؛ بنابر اين همان گونه که نقش ياران در موفقيت حرکت‌هاي اصلاحي پيامبران الهي تعيين کننده بوده، در قيام امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف نير نياز به ياران، امري ضروري و اجتناب ناپذير است؛ زيرا بنا نيست اين قيام، با نيروي اعجاز به سر انجام برسد؛ بلکه حرکت‌هاي اصلاحي حضرت از راه اسباب وعوامل عادي به پيروزي مي‌رسد. بديهي است چنين انقلاب عظيمي، بدون نيروهاي مؤمن و فوق العاده توانمند و مؤثر، امکان تحقق نخواهند داشت.

بر اين اساس، يکي از موضوعات لازم در حوزة مباحث مهدويت، بحث از ياران حضرت مهدي عليه السلام و شناخت ويژگي‌ها، کارکردها و اقدامات سياسي نظامي مجموعه نيروهايي است که هنگام ظهور به امام مهدي عليه السلام مي‌پيوندند و تحت فرمان آن حضرت، به انجام مسؤوليت مي‌پردازند. با توجه به اهميت مسأله و نقش آموزندة آن، بخشي از روايات مهدويت به انعکاس اين موضوع پرداخته است.

طبق آنچه از روايات استفاده مي‌شود، مجموع ياوران و كساني را که در آغاز ظهور، دعوت امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را لبيک مي‌گويند و براي ياري، به امام عليه السلام مي‌پيوندند، مي‌توان به دو گروه، تقسيم كرد:

الف. گروه اصحاب

ب. گروه انصار

گروه اصحاب، افراد ويژه و فوق العاده ممتازي هستند كه به عنوان اصحاب حضرت در نخستين ساعات ظهور، به امام مهدي عليه السلام مي‌پيوندند. آنان، هسته‌هاي اولية نهضت جهاني امام مهدي عليه السلام را تشکيل مي‌دهند. آنان کساني‌اند که هم قيام حضرت با حضور آنان آغاز مي‌شود و هم پس از پيروزي، از مشاوران و وزراي امام عصر عليه السلام خواهند بود و بخش مهمي از کارها را به دوش خواهند کشيد. امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف با كمك آنان، دنيا را فتح كرده و عدالت موعود را سراسر جهان حاکم خواهند كرد.

درمنابع روايي، اين گروه، با عنوان «اصحاب المهدي» ياد شده‌اند. آنان، در مقايسه با ديگر ياران حضرت، از مقام، جايگاه و منزلت برتري برخوردار‌ند و در سيستم حکومتي حضرت نيز مسؤوليت‌هاي مهم‌تر و حساس‌تري بر عهده دارند.

اما گروه انصار، عبارتند از مجموعه ياوراني که پس از ظهور به حمايت از حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌شتابند و به سپاه آن حضرت ملحق مي‌شوند. اين عده، شامل همة افرادي مي‌شود كه با آغاز قيام حضرت، دسته دسته براي ياري ايشان به پا مي‌خيزند، و دعوت امام عليه السلام را لبيک مي‌گويند. اين گروه، شامل سه دسته از نيروهايي هستند که به تدريج به سپاه حضرت مي‌پيوندند:

دستة اول، کساني‌اند که در آغاز ظهور و اعلام خبر قيام حضرت در مکه، خود را به امام عليه السلام مي‌رسانند و با ايشان بيعت مي‌کنند. حضرت، پس از حضور و اعلام بيعت آنان، به قيام مي‌پردازد و از مکه به سوي مدينه حرکت مي‌كند.

دستة دوم، خيل عظيمي از مؤمنان و مشتاقاني‌اند كه با آغاز قيام حضرت، در ميانة راه به سپاه امام مهدي عليه السلام مي‌‌پيوندند و در ركاب او با دشمنان خدا مي‌جنگند.

دستة سوم، نيروها و سپاهياني‌اند که پس از قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، از جاهاي دور و نزديک با هدف مقابله با لشکريان سفياني و حمايت و پشتيباني از حضرت مهدي عليه السلام، به سوي او مي‌شتابند و به سپاه حضرت مي‌پيوندند.

دراين نوشتار، سعي شده است به منظور شناخت خصوصيات و اوصاف اصحاب و ياران حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و نقش مؤثر آنان در شرايط و تحولات نخستين روز‌هاي ظهور، ابعاد مختلف اين موضوع بررسي شود.

گروه اصحاب

كلمة «اصحاب» و «صحابه»، جمع صاحب از مادة «صحب» به معناي همراه، گروه، معاشر و ياور است (ابن منظور، بي‌تا: ص519؛ زبيدي، 1385: ج3، ص186). در آيات و روايات نيز اين كلمه به معناي همراه، اهل، دسته وگروه، به كار رفته است.

دربارة اصحاب و ياران حضرت قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف، و وقايع مربوط به آن نکات متعددي قابل طرح است که اين جا لازم است با استناد به روايات، بدان اشاره شود:

شمار اصحاب حضرت مهدي عليه السلام

دربارة تعداد اصحاب امام مهدي عليه السلام در روايات، آمار و ارقام مختلفي ذكرشده است. بيشتر روايات، تعداد ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را سيصد و سيزده تن- به تعداد اصحاب پيامبر صلي الله عليه و آله در جنگ بدر- ذكر كرده است (صفار قمي، بي‌تا: ص311؛ صدوق، بي‌تا: ج2، ص654).

دستة ديگر روايات، تعداد اصحاب مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف را بيش از سيصد و سيزده نفر نقل كرده است. برخي از اين روايات، رقم ده هزار نفر را ذكر كرده است؛ مانند آنچه از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه فرمود: «مهدي ظهور نمي‌كند، مگر اين‌كه حلقه كامل گردد». وقتي ازحضرت سؤال شد كه عدد آنان چند نفر است؟ فرمود: «ده هزار نفر» (نعماني، بي‌تا: ص307).

 همچنين ابوبصير نقل مي‌كند:

مردي كوفي از امام صادق عليه السلام تعداد ياران امام مهدي عليه السلام را پرسيد وگفت: «مردم مي‌گويند اصحاب مهدي به تعداد اصحاب بدر، 313 نفرند». حضرت در پاسخ فرمود: «مهدي ظهور نمي‌كند، مگر با نيروي قدرتمندي كه تعداد آنان، كمتر از ده هزار رزمنده نخواهند بود» (صدوق، همان: ج2، ص654).

بعض ديگر از اين نوع روايات، تعداد اصحاب مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف هنگام ظهور را بين دوازده تا پانزده هزار نفر، ذكر كرده است (ابن طاووس، بي‌تا: ص65). حتي در روايتي، عدد يكصد هزار نفر نيز نقل شده است (مجلسي، بي‌تا: ج52، ص307 و367).

باتوجه به قرائن موجود، اين چند دسته روايات را مي‌توان اين گونه جمع كرد كه روايات متضمن عدد سيصد، ناظر به اصحاب ويژه امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف در مرحلة آغازين قيام است، همان كساني كه هسته اصلي قيام حضرت را تشكيل مي‌دهند و در روايات، از آنان، با عنوان پرچمداران و فرماندهان لشكرمهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف ياد شده است (كليني، بي‌تا: ج8، ص313؛ صدوق، همان: ج2، ص672). كه حضرت مهدي عليه السلام به وسيله آنان، شرق وغرب جهان را فتح مي‌كند وآن‌ها را فرمانروايان روي زمين قرارمي دهد. (نعماني، همان: ص252)

اما روايات دسته دوم، ناظر به مجموع نيروهايي است كه به جمع سيصد وسيزده نفر مي‌پيوندند. بنابراين، با توجه به اختلاف روايات دربارة تعداد ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌توان گفت: آمار و ارقام ياد شده، مقصود نبوده؛ بلكه هدف از بيان اين ارقام، فزوني ياوران و پيروان امام مهدي عليه السلام بوده است.

نام و مليت اصحاب

در برخي روايات، خصوصيات اسمي و وطن و محل اقامت 313 نفر از ياران امام مهدي عليه السلام، ذکر شده است و از شهرهايي مانند كوفه، بصره، مدائن، هرات، حران، قلزوم، خيبر، طرابلس، بيروت، طالقان، همدان، ري، اهواز، قم، قزوين، نيشابور، كرمان، مرو، توس و… نام برده شده است.

در روايتي که اصبغ ابن نباتة از اميرالمؤمنين عليه السلام نقل كرده آمده است:

روزي اميرالمؤمنين عليه السلام خطبه‌اي ايراد فرمود که در آن، از مهدي عليه السلام و ياران او ذکري به ميان آورد. در آن حال، ابوخالد از اميرالمؤمنين عليه السلام، درخواست كرد تعداد و اوصاف و خصوصيات اسمي و محلي ياران مهدي عليه السلام را بيان فرمايد. اميرالمؤمنين عليه السلام به نقل از رسول خدا صلي الله عليه و آله تعداد و محل‌هاي 313 تن از ياران و همراهان مهدي عليه السلام هنگام ظهور را بازگو كرد؛ در حالي‌که مردم آن را مي‌نوشتند. سپس فرمود: «رسول‌الله صلي الله عليه و آله اين 313 نفر را که به تعداد اصحاب بدرند، برايم چنين معرفي كرد» (كوراني، 1411: ج3، ص104).

در اين روايت، اسامي 313 نفر اصحاب خاص امام عصر عليه السلام و محل سکونت آنان، به تفصيل بيان شده است.

در روايت ديگر، ابو بصير نقل مي‌كند:

به حضور امام صادق عليه السلام رسيدم؛ حضرت به كسي كه در مجلس حضور داشت، فرمود: «بنويس آنچه پيامبر صلي الله عليه و آله براي امير المؤمنين عليه السلام املا فرمود». سپس نام‌هاي تک تک ياران ويژة حضرت مهدي عليه السلام را با ذکر محلات و مناطق زندگي شان، بيان فرمود (طبري، همان: ص556-575؛ كوراني، همان: ج4، ص28).

در اين‌باره تذکر دو نکته لازم است:

نکتة اول اين‌که مراد از اماکن و شهرهايي که در اين روايات، از آن نام برده شده، مفهوم متعارف آن زمان است و اين نام‌ها ناظر به مکان‌هايي است که هنگام صدور روايت، با اين عناوين و نام‌ها ياد مي‌شده‌اند؛ به همين سبب در بسياري از اين موارد، تطبيق اين اسامي با اماکن و شهر‌هايي که بعد‌ها بدين نام، نام گذاري و مشهور شده، قدري دشوار است؛ زيرا بسياري از شهرهاي نام‌برده شده در گذر زمان، تغيير نام يافته يا در اثر توسعه داراي چندين شعبه با نام‌هاي گوناگون شده باشند. نيز ممکن است در ثبت و ضبط نام اين شهر‌ها و محلات، تصحيف (خطاي نوشتاري) رخ داده باشد. همچنين در برخي موارد، شهرهاي جديدي احداث شده است که با آنچه در روايات آمده است، فقط تشابه اسمي دارد. افزون بر اين‌که در ترتيب اسامي و مکان‌هاي ياد شده در اين گونه روايات، اندک تفاوت‌هايي نيز ديده مي‌شود.

نکتة دوم اين‌كه بايد توجه داشت با آن‌كه دانستن نام اصحاب حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و آگاهي از موطن و مليت آنان، مطلوب است، اين اطلاع و آگاهي، از نظر معرفتي براي ما چندان اثري نخواهند داشت؛ بلکه آنچه در اين خصوص مهم و لازم است، توجه به ويژگي‌هاي شخصيتي ياران حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و تأسي عملي به ايشان است؛ مطابق آنچه در روايات معرفي شده است.

چگونگي پيوستن اصحاب حضرت مهدي عليه السلام به آن حضرت

طبق نقل روايات، اصحاب مهدي، به طور ناگهاني ومعجزه‌آسا، ازمسافت‌هاي دور و نزديك، در يك شب يا صبحگاه، درمكه معظمه، گرد مي‌آيند و به حضرت مي‌پيوندند. اميرالمؤمنين عليه السلام درباره چگونگي فراخواني و پيوستن ياران مهدي عليه السلام، از پيامبر صلي الله عليه و آله نقل مي‌كند: «‌خداوند، ياران مهدي را در كمتر از چشم به هم زدن، از مشرق و مغرب، كنار كعبه، گرد مي‌آورد» (ابن طاووس، همان: ص146).

همچنين در روايت ديگري از امام باقر عليه السلام نقل شده است كه فرمود: « ياران مهدي، با طي الأرض به سوي او مي‌شتابند و در مكه با او بيعت مي‌كنند» (فتال نيشابوري، بي‌تا: ج2، ص263).

چگونگي بيعت اصحاب

پس از پيوستن ياران امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف اولين اقدام حضرت، اخذ بيعت از اصحاب و پيمان وفاداري و اطاعت آنان از امام عليه السلام است. پايمردي در ميدان رزم، دوري از حرام وكارهاي منكر مثل دزدي، زر اندوزي، احتكار، رباخواري، تخريب مساجد، شهوات باطل، نوشيدن شراب، تجمل گرايي، تحقير اشخاص مؤمن، تعقيب افراد فراري، خونريزي ناحق، انفاق به افراد منافق و كافر، انجام عمل منافي عفت و… از موارد مطرح در اين ميثاق بيعت است. همچنين امام از ياران خود پيمان مي‌گيرد در تحمل سختي‌ها مقاوم باشند و مردم را امر به معروف و نهي از منكر كنند. اصحاب نيز همگي اين پيمان را مي‌پذيرند و تك تك با امام عليه السلام رو بوسي مي‌كنند (شافعي، بي‌تا: ص96).

اوصاف اصحاب

طبق نقل روايات، اصحاب مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف همگي جوانند مگر تعداد اندكي؛ مانند كمي سرمه در چشم يا کمي نمك در غذا (طوسي، بي‌تا: ص284). در برخي روايات، ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به شيران روز و نيايشگران شب زنده دار كه دل‌هاشان مانند پاره‌هاي آهن، محكم واستوار است، توصيف شده اند (مجلسي، همان: ج52، ص386). آنان، رادمرداني‌اند كه جز شهادت در راه خدا، آرزوي ديگري ندارند و برابر رهبر و مولاي خود، سخت مطيع و فرمانبردارند. ابهت و رعب اين جنگجويان مصمم و فولادين، دشمنان را زمين‌گير مي‌كند (نوري، بي‌تا: ج11، ص114). در راه انجام مأموريت خود، بسيار قاطع و بي‌باكند و هرگز هراسي به دل راه نمي‌دهند (مجلسي، همان: ج52، ص308).

امام مهدي عليه السلام، با چنين اصحاب و ياراني، جهان را فتح كرده و اسلام را در سراسر گيتي، حكم فرما مي‌سازد. از امام باقر عليه السلام نقل شده است که فرمود:

گويي ياران مهدي را مي‌بينم كه سراسر زمين و آسمان را احاطه كرده‌اند و چيزي در جهان نيست، مگر اين‌كه در قبضه قدرت آنان است. آن‌ها، در جامعه به حدي محبوبند كه حتي پرندگان و درندگان نيز در پي جلب خشنودي و فرمان برداري آنان هستند. قطعه‌اي از زمين، از اين‌كه يكي از ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف بر آن گام نهاده است، بر قطعه ديگر فخر و مباهات مي‌كند (صدوق، همان: ج2، ص672؛ مجلسي، همان: ج52، ص327).

حضور زنان در ميان اصحاب

ميان ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف زنان نيز حضور دارند و در بخش‌هاي بهداشت و درمان، انجام وظيفه مي‌كنند. در روايات، تعداد آنان متفاوت ذكر شده است. طبق روايت مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام سيزده نفر ميان اصحاب قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف حضور دارند كه زخمي‌ها را مداوا و بيماران را پرستاري مي‌كنند (طبري، همان: ص259). در اين روايت، نام‌هاي نه نفر از اين زنان ذكر شده است. در برخي روايات، از حضور پنجاه زن ميان ياران حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، خبر داده شده است. آنان، در کارهاي بهداشتي و امدادي به رزمندگان اسلام خدمت رساني مي‌کنند (نعماني، همان: 279). در برخي ديگر، عدد بيشتري نيز ذكر شده است (ابن طاووس، همان: ص151).

ظاهراً اين نوع روايات، ناظر به زناني‌اند كه پس از قيام، حضرت را همراهي و در كارها با سپاه و اردوي امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مشاركت مي‌كنند.

رجعت گذشتگان

در برخي روايات، از بازگشت گذشتگان، در زمان ظهور، براي ياري حضرت، سخن به ميان آمده است. مفاد اين‌گونه روايات، رجعت آنان در زمان ظهور است. اما اين بدان معنا نيست که آنان جزء 313 تن از اصحاب خاص حضرت (يعني همان افرادي که ظهور، منوط به آن‌ها است) قرار داشته باشند.

بر اساس منابع روايي، از جمله كساني كه زمان ظهور در جمع اصحاب و سپاهيان مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف قرار مي‌گيرند، عده‌اي از مؤمنان شايسته و برجستگاني است كه پيش‌تر، از دنيا رفته‌اند. خداوند، آنان را دوباره زنده مي‌كند، تا به سپاه مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف ملحق شوند. اين اشخاص كه گاهي در روايات از آنان نام برده شده است، برخي از امت‌هاي پيشين هستند؛ مانند يوشع بن نون، وصي موسي عليه السلام، مؤمن آل فرعون و اصحاب كهف (طبري، همان: ص554). برخي ديگر نيز از پيشگامان و برجستگان صدر اسلام در عصر پيامبر صلي الله عليه و آله و امامان معصوم عليه السلام هستند؛ نظير سلمان فارسي، ابودجانه انصاري، مالك اشتر نخعي (فتال نيشابوري، همان: ج2، ص266)، جبير بن خابور (راوندي، بي‌تا: ج1، ص185)، اسماعيل فرزند امام صادق عليه السلام (حر عاملي، بي‌تا: ص266)، عبدالله بن شريك عامري (همان)، مفضل بن عمر (طبري، همان: ص248)، و….

پيوستن حضرت مسيح عليه السلام

با ظهور امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، حضرت عيسي مسيح عليه السلام نيز ظاهر شده و به آن امام ملحق مي‌شود و مي‌گويد: « من، وزير فرستاده شده‌ام، نه امير و فرمانروا» (كوراني، همان: ج1، ص527). وي از سوي امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، فرماندهي عمليات تهاجمي بر ضد لشكريان دجال را بر عهده مي‌گيرد (طبسي، 1385: ج1، ص167)؛ به همين سبب در روايات، از ميان كارگزاران امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، از حضرت عيسي مسيح عليه السلام به دليل نقش كليدي و منحصر به فرد او در تحکيم و گسترش حکومت جهاني امام مهدي عليه السلام، با عنوان «وزير» ياد شده است. گو اين‌که حضرت عيسي مسيح عليه السلام در دوران ظهور، نقش معاون اولي امام مهدي عليه السلام را در ميان دستياران و كارگزاران حکومتي امام مهدي عليه السلام بر عهده دارد (بحراني، بي‌تا: ص697). امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، با چنين اصحاب وكارگزاراني، سرانجام، حكومت جهاني اسلام را تحقق مي‌بخشند و جهان را از عدل و داد پر مي‌كند.

گروه انصار

مراد از انصار ـ چنان‌که اشاره شد ـ مجموعه نيروهايي‌اند که در آستانه ظهور يا همزمان با ظهور امام مهدي عليه السلام از مناطق مختلف قيام مي‌كنند و براي ياري حضرت و مقابله با دشمنان ايشان، به پا مي‌خيزند. اين نيروها، بعضاً داراي سازماندهي ويژه‌اي هستند كه با انسجام خاص و تحت مديريت افراد خاصي رهبري مي‌شوند. اكنون به مهم‌ترين اين نيرو‌ها اشاره مي‌كنيم.

رزمندگان خراسان

براساس روايات، از نيروهايي که هنگام ظهور، به حمايت از قيام حضرت به پا مي‌خيزند، سپاهيان خراسانند که از ايران سازماندهي مي‌شوند. سپاه اهالي خراسان که در روايات ناظر به ايران آن زمان است و تا مناطق ماوراءالنهر را شامل مي‌شود، پس از ظهور حضرت مهدي عليه السلام با پرچم‌هاي سياه، به فرماندهي سيد خراساني براي بيعت و ياري امام مهدي عليه السلام حرکت مي‌کنند. اين، هنگامي است که امام عصر عليه السلام از مدينه به سوي کوفه حرکت کرده است. سپاه خراساني، ميان راه به حضرت مهدي عليه السلام مي‌پيوندند و تحت فرمان حضرت، براي جنگ با سفياني راهي کوفه مي‌شوند.

رسول خدا صلي الله عليه و آله فرموده است:

هنگامي که مشاهده کرديد پرچم‌هاي سياه از سوي خراسان مي‌آيند، با هر وسيله ممکن به سوي آن‌ها بشتابيد؛ هر چند مجبور باشيد براي اين کار روي برف و يخ سينه‌ خيز برويد؛ چرا که خليفة الله مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف ميان آن پرچم‌ها حضور دارد (مجلسي، همان: ج51، ص82).

ابو خالد کابلي از حضرت باقر عليه السلام روايت کرده است که فرمود:

گويا مي‌بينم قومي را که در مشرق خروج کرده‌اند و حق را مطالبه مي‌کنند؛ پس به ايشان داده نمي‌شود. باز مطالبه حق مي‌کنند و به ايشان داده نمي‌شود؛ پس چون چنين ببينند، شمشيرهاي خود را بر دوش خود گذارند. آن‌گاه آنچه مي‌خواستند به ايشان داده شود و ايشان قبول نکنند، تا اين‌که قيام کنند و نخواهند دولت را مگر، به صاحب شما. کشته‌هاي ايشان، شهدايند. آگاه باشيد اگر من آن زمان را درک مي‌کردم، خود را براي صاحب اين امر، نگاه مي‌داشتم (نعماني، همان: ص182؛ كوراني، همان: ج3، ص269).

اين روايت، بر اصالت و حقانيت نهضت مردمان مشرق زمين و نقش زمينه‌ساز آن دلالت روشني دارد. ظاهراً کلمة «مشرق» در اين روايت نيز ناظر به منطقة خراسان است؛ همان چيزي که در ديگر روايات بدان تصريح شده است.

از اين روايت استفاده مي‌شود که تشکيل سپاه و سازماندهي رزمندگان خراسان، با مديريت مستقيم امام مهدي عليه السلام و دست‌كم با هماهنگي و اشراف آن حضرت است. آنان، در مقابله و شکست دشمنان حضرت در عراق يعني جنبش سفياني، نقش مؤثري خواهند داشت.

در رابطه با قيام خراساني، چند نکته قابل ذکر است:

1. عنوان خراسان ـ همان‌گونه كه اشاره شد ـ تا آن طرف بلخ و بخارا را شامل مي‌شود؛ لذا دربارة محل خروج وي و اين‌که خراساني از کدام قسمت خراسان خروج مي‌کند، در روايات به محل خاصي اشاره نشده است.

2. ماهيت و چگونگي قيام خراساني نيز در روايات به صورت شفاف بيان نشده است؛ به همين سبب در اين خصوص و نيز شخصيتي که رهبري اين قيام را بر عهده دارد، اطلاعات دقيقي وجود ندارد. در برخي روايات سخن از خروج سيد خراساني و در برخي ديگر از روايات از سيد حسني، سخن به ميان آمده است. از امام باقر عليه السلام نقل شده است که فرمود: «بيرق‌هاي سياهي که از خراسان خروج مي‏کند، به کوفه نازل خواهند شد؛ پس چون مهدي عليه السلام به سوي عراق حرکت کند، آنان با او بيعت خواهند نمود» (مجلسي، همان: ج52، ص217)؛ به همين سبب اين احتمال که اين دو عنوان براي يک نفر باشد يا اين‌که بيانگر دو قيام از خراسان با رهبري دو نفر باشد، وجود دارد.

3. نقش قيام خراساني در زمينه سازي و حمايت از قيام امام مهدي عليه السلام قابل توجه است. در روايتي که ابو‏خالد کابلي از امام باقر عليه السلام نقل کرده است، حضرت، نقش آنان را چنين توصيف كرده است:

گويي اکنون گروهي را با چشم خود مي‏بينم که از مشرق قيام کرده‏اند و خواستار حقند؛ ولي آن را به آن‌ها نمي‏دهند. سپس باز حقشان را مي‏طلبند؛ ولي به آنان داده نمي‏شود و چون چنان ديدند، اسلحه‏هاي خود را برمي‏گيرند و بر گردن هايشان مي‏گذارند. اين وقت، آنچه را که مي‏خواستند به آن‌ها داده مي‏شود؛ ولي آن طايفه ديگر نمي‏پذيرند، تا اين‌که قيام مي‏کنند و کارشان رونق مي‏گيرد، و آنان آن را به کسي نخواهند داد مگر به صاحب شما )= حضرت مهدي عليه السلام‌( و کشته ‏شدگانشان شهيدند. آگاه باش که اگر من آن روز را درک مي‏كردم؛ خود را براي صاحب اين امر، نگه مي‏داشتم (نعماني، همان: ص273؛ مجلسي، همان: ج52، ص243).

در اين روايت، امام باقر عليه السلام ضمن اين‌که برحقانيت انقلاب کنندگان و کشته‏شدگان آن‌ها تأکيد فرموده، از نقش حمايتي آنان براي برپايي حکومت عدل مهدوي خبرداده است.

4. همزماني قيام خراساني باخروج سفياني. در برخي روايات، خروج خراساني و سفياني، به دو اسب مسابقه تشبيه شده‏اند که خراساني از مشرق و سفياني از مغرب به طرف کوفه در حرکتند، مي‌فرمايد:

خراساني و سفياني در حالي خروج مي‌كنند كه يكي از طرف شرق و ديگري از طرف غرب به سوي كوفه و عراق در حركتند و هر كدام سعي مي‌كند كه از ديگري پيشي بگيرد (نعماني، همان: ص264).

همچنين حرکت سپاهيان خراساني، با حرکت نيروهاي يمن به فرماندهي شخصي موسوم به يماني هم‌زمان است. روايات مربوط به اين همراهي و هم‌زماني را در قسمت بعدي بيان خواهيم كرد.

سپاه شعيب بن صالح

از قيام‌هايي که در آستانه ظهور به وقوع مي‌پيوندد، قيامي است که با فرماندهي چهرة شاخصي به نام شعيب بن صالح براي مقابله با دشمنان امام مهدي عليه السلام و حمايت از حضرت صورت مي‌گيرد. دربارة اين‌که قيام شعيب بن صالح از کدام منطقه است و پيروان او ساکن کدام سرزمين هستند، در برخي روايات، قيام وي از منطقة سمرقند ذکر شده است. از امام زين العابدين عليه السلام نقل شده است که فرمود: «بعد از خروج عوف سلمي در تکريت عراق، خروج شعيب بن صالح است از سمرقند» (طوسي، همان: ص444؛ مجلسي، همان: ج52، ص213).

قيام شعيب بن صالح، همانند قيام خراساني با هدف مقابله با جريان ستمگر سفياني انجام مي‌گيرد. اين قيام، اندکي قبل از ظهور به وقوع مي‌پيوندد و به ظهور امام مهدي عليه السلام مي‌انجامد. با ظهور حضرت مهدي عليه السلام شعيب بن صالح با نيروهاي تحت امرش به حمايت از حضرت مي‌پردازند و با امام مهدي عليه السلام بيعت مي‌کنند.

بر اساس روايات، او پس از پيوستن به لشکريان حضرت مهدي عليه السلام، خود از سرداران سپاه حضرت مي‌شود. در روايتي که عمار ياسر نقل كرده، نام شعيب بن صالح برده شده و او را علمدار حضرت صاحب عليه السلام ياد کرده است (كوراني، همان: ج1، ص399). همچنين از حضرت رسول صلي الله عليه و آله فرمود:

سپس شعيب بن صالح رو مي‌آورد. خداوند، بلاد شعيب را به رحمت خود سيراب گرداند! با بيرق‌هاي سياه مي‌آيد، تا اين‌که با مهدي بيعت مي‌کند و سپس علمدار او مي‌شود (كوراني، همان: ج1، ص401).

مسلم است که قيام شعيب و نبرد و جهاد وي با جبهة سفيانيان، نقش مهمي در تقويت جبهة حق و فراهم سازي مقدمات ظهور حضرت مهدي عليه السلام، خواهند داشت. امير المومنين عليه السلام مي‌فرمايد: «هرگاه پرچم‌هاي سياهي که شعيب بن صالح فرماندهي آن را بر عهده دارد، ظاهر شوند و لشکريان سفياني را شکست دهند، مردم آرزوي مهدي کنند و به جست‌و‌جوي او برآيند» (كوراني، همان: ج3، ص76-621). همچنين از حضرت باقر عليه السلام نقل شده است که فرمود: « شعيب بن صالح، با لشکريان سفياني جنگ خواهند کرد و آنان را شکست خواهند داد» (كوراني، همان: ص270).

سپاه سيد حسني

از ديگر قيام‌هاي آستانة ظهور، قيامي است که با پرچمداري شخصي به نام سيد حسني، به وقوع مي‌پيوندد. در روايات، وي جواني هاشمي که جمعي از سادات دور او را گرفته و پس از قيام از مشرق با امام مهدي عليه السلام در کوفه بيعت مي‌كند معرفي شده است.

از حضرت باقر عليه السلام نقل شده است که فرمود: «جواني از بني هاشم از خراسان بيايد و در جلو او شعيب بن صالح باشد» (همان). به همين احتمال اين‌که وي همان سيد خراساني باشد نيز وجود دارد؛ به ويژه با توجه به اين‌که شعيب بن صالح نيز پيش‌قراول قيام وي مطرح شده است.

به هرحال آنچه قطعي است، اين است که مراد از سيد حسني و خروج او در اخبار، غير از آن سيد حسني معروف به نفس زکيه است که به عنوان پيک امام مهدي عليه السلام در مکه در هنگام ظهور امام عليه السلام کشته مي‌شود و سر او را به شام مي‌فرستند. نيز مراد، غير از آن «حسني»‌اي است که در شام، با امويان مي‌جنگد و سفياني بر او غالب مي‌شود؛ بلکه اين سيد حسني، کسي است که خروج او از بلاد شرق انجام مي‌گيرد و بعد از ورود به عراق، در کوفه با امام مهدي عليه السلام ملاقات و بيعت مي‌كند.

درپاره‌اي از روايات، خروج وي، از علامات ظهور ذکر شده است. امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد: «… و ظاهر شود سفياني و يماني. و حرکت کند حسني. آن‌گاه صاحب اين امر، خروج کند» (مجلسي، همان: ج52، ص242).

مجاهد مردان يمني

نهضت يمني‌ها به فرماندهي شخصي که در روايات از وي با عنوان«يماني» نام برده شده، يکي از رخدادهاي مهم و تأثيرگذار هنگام ظهور است. اين نهضت ـ که در روايات، يکي از نشانه‌ها و علائم حتمي ظهور ياد شده، بيش از همه مورد ستايش و تأکيد قرار گرفته است. اين موضوع، از جهات مختلفي نظير رهبري نهضت، زمان قيام، مکان قيام، مليت يماني، خصوصيات شخصي يماني، اهداف قيام، ويژگي‌هاي قيام و… قابل بررسي است. در اين نوشتار، نگارنده كوشيده است با نگرش روايي به اين بحث، ابعاد مختلف اين موضوع را از منظر روايات، مورد توجه قرار دهند. مسألة قيام يماني در آستانة ظهور حضرت مهدي موعود عجل الله تعالي فرجه الشريف از نظر منبع شناسي، فقط در منابع روايي شيعي منعكس شده و در مجامع روايي اهل سنت مطرح نگرديده است. روايات موجود در منابع شيعي، وي را از جهات مختلفي توصيف كرده است. اين روايات، اصل قيام يماني را در هنگامة ظهور حضرت حجت عجل الله تعالي فرجه الشريف، يك امر قطعي و مسلم مي‌داند و تعداد اين روايات نيز در حد استفاضه نقل شده است.

بر اساس تتبع نگارنده، در مجامع حديثي شيعه بيش از 45 روايت در اين رابطه نقل شده كه از اين مجموع، تعداد رواياتي كه بدون تكرار در مصادر اوليه نقل شده، حدود شانزده روايت است؛ از اين رو، در يك تقسيم‌‌بندي کلي، موضوعات مطرح شده در اين روايات را در چند محور، مي‌توان مورد توجه قرارداد:

1. مشخصات فردي: در روايات، هويت فردي و خصوصيات اسمي و نسبي اين شخصيت، چندان شفاف بيان نشده است. در اين‌باره، فقط دو روايت وجود دارد که وي را با نام حسن يا حسين از منطقة صنعا در يمن، معرفي کرده است:

نخست، روايتي است كه در كتاب بشارة الاسلام نقل شده است. در اين روايت، از يماني، با نام «حسين» يا «حسن» ياد شده است. در اين روايت، آمده است:

فرمانروايي از صنعاي يمن به نام حسين يا حسن قيام خواهد كرد. در پرتو قيام او كه خجسته و طاهر است، فتنه‌ها از ميان مي‌رود و حق پس از پنهان شدن، آشكار مي‌شود (كاظمي، بي‌تا: ص187).

روايت دوم نيز در كتاب بشارة الاسلام، از امام صادق عليه السلام نقل شده است. در اين روايت كه به نسب يماني اشاره دارد، آمده است: «…خروج مردي از فرزندان عمويم زيد در يمن». (همان)

آنچه كه در كتاب‌هاي متأخران دربارة مشخصات اسمي يا نسبي يماني ذكر شده نيز مبتني بر همين دو روايت است. نويسنده كتاب عصر ظهور، با اشاره به روايت اول مي‌گويد: «در بخشي از روايات، وارد شده است كه او از يمن و از يك آبادي به نام «کرعه» خروج مي‌كند». وي گفته است كه بعيد نيست اين شخص همان يماني باشد كه قبل از قيام حضرت خروج مي‌كند (كوراني، همان: ص159). آيت الله صافي گلپايگاني نيز در منتخب الاثر معتقد است وي از يمن خروج مي‌كند: «يماني مردي است كه مردم را به سوي مهدي عليه السلام فرا مي‌خواند و از يمن خروج مي‌كند» (صافي گلپايگاني، 1421: ج2، ص563).

به نظر مي‌رسد دلالت اين دو روايت بر اثبات مطلب، قابل تأمل است؛ زيرا ظاهر اين دو روايت دلالت روشني ندارد كه يماني در اين‌جا همان يماني مورد نظر در باب علايم ظهورباشد؛ چون در هيچ يك از اين دو روايت، صحبت از خروج هنگام ظهور يا نزديك به ظهور، مطرح نيست؛ لذا اين احتمال وجود دارد که مراد از يماني در اين دو روايت، يماني معهود در عصر راوي باشد. بنابراين دربارة شناسنامة اسمي و نسبي «يماني»، به سبب عدم شفافيت مسأله در روايات، نمي‌توان قضاوت قطعي كرد.

2. مليت يماني: اما درباره مليت يماني و اين‌كه اهل كجا است و از چه منطقه‌اي قيام خواهد كرد، آنچه در روايات آمده، اين است كه وي از منطقة «يمن» خروج خواهد كرد. اما اين‌كه آيا مراد از «يمن»، كشور يمن فعلي است كه مركز آن «صنعا» است يا اين‌كه منطقة گسترده‌ و وسيع‌تري را شامل مي‌شود، بايد گفت که روايات در اين‌باره نيز صراحت ندارد؛ ولي باتوجه به اين‌که در روايات، از اهل يمن به دليل نقش با اهميت آنان در زمينه سازي ظهور و ياري حضرت حجت عجل الله تعالي فرجه الشريف، تجليل و ستايش شده است، اين احتمال، بيشتر تقويت مي‌شود که وي از اهل يمن فعلي باشد. افزون بر اين‌که هيچ قرينه‌اي وجود ندارد كه اصطلاح «يمني» در گذشته داراي قلمرو بيشتر از يمن فعلي بوده باشد.

3. خروج يماني، از علائم ظهور: در بعضي از روايات، تصريح شده است، خروج يماني، يكي از علايم ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است؛ مانند روايتي که عمر بن حنظله از امام صادق عليه السلام چنين نقل مي‌کند: «پيش از قيام حضرت مهدي عليه السلام، پنج چيز به عنوان علامت و نشانه رخ خواهد داد: «نداي آسماني، سفياني، واقعه خسف بيدا و خروج يماني و كشته شدن نفس زكيه» (صدوق، بي‌تا: ص649؛ همو، بي‌تا: ص304).

در حديث ديگر محمد بن مسلم از امام باقر عليه السلام نقل مي‌كند كه فرمود:

از نشانه‌هاي خروج وي، خروج سفياني از شام و يماني از يمن و شنيده شدن صدا از آسمان در ماه رمضان است كه ايشان را با نام خود و نام پدرش از آسمان فرياد مي‌زند (كاظمي، همان: ص100).

4. حتمي بودن خروج يماني: مسألة ديگر دربارة يماني حتمي بودن قيام وي در آستانة ظهور است. در روايات، بر محتوم بودن خروج وي، تصريح كرده است:

الف. امير المؤمنين عليه السلام مي‌فرمايد: «از اموري كه حتما اتفاق مي‌افتد قبل از قيام قائم عليه السلام، خروج سفياني، خسف بيدا، كشته شدن نفس زكيه، شنيده شدن صداي آسماني و خروج يماني است» (نعماني، همان: ص252).

ب. عبد الله بن سنان از امام صادق عليه السلام نقل مي‌كند كه حضرت فرمود: «شنيده شدن صداي آسماني و خروج سفياني و يماني و… امري حتمي است» (مفيد، همان: ص336).

5. زمان قيام يماني: در روايات، قيام يماني هم‌زمان قيام خراساني و خروج سفياني در آستانه ظهور، بيان شده است. خروج اين دو (خراساني و يماني) در جهت دعوت به حق و به سوي امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف و سفياني در جهت مقابله با قيام حضرت، در يك سال و يك‌ماه و يك روز عنوان شده است که اكنون به چند نمونه از اين روايات اشاره مي‌كنيم:

الف. ابو بصير از امام باقر عليه السلام در حديثي مفصل نقل مي‌كند كه حضرت فرمود: «خروج سفياني و يماني و خراساني در يك سال و يك ماه و يك روز اتفاق مي‌افتد؛ به صورت پي در پي يكي به دنبال ديگري رخ مي‌دهد».(نعماني، همان: ص253)

ب. امام صادق عليه السلام نيز درباره هم‌زماني و رقابت يماني با سفياني مي‌فرمايد: «قيام اين دو شخص يكي در جبهه حق و ديگري در جبهه باطل در تقابل و رقابت با هم قرار دارد؛ همانند رقابت دو اسب تيزرو» (نعماني، همان: ص253).

ج. در روايت عمر بن حنظله از امام صادق عليه السلام، حضرت مي‌فرمايد: «پنج علامت و نشانه قبل از خروج حضرت مهدي عليه السلام رخ خواهند داد: صداي آسماني، خروج سفياني، بلعيده شدن گروهي در سرزمين بيداء، خروج يماني و كشته شدن نفس زكيه» (طوسي، همان: ص436).

د. امام صادق عليه السلام در روايت ديگر با اندك تفاوتي مي‌فرمايد: «پنج چيز نشانه قيام قائم عليه السلام است: خروج يماني و سفياني و صداي آسماني و واقعة خسف بيدا و قتل نفس زكيه» (صدوق، بي‌تا: ص244).

بايد توجه داشت که در اين روايات، ضمن تأكيد بر اين‌كه خروج يماني از علائم قيام حضرت قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف خواهد بود، محل خروج يماني را نيز «يمن» بيان كرده است كه مويد احتمال «يمني» بودن وي مي‌باشد، همان‌گونه كه قبلاً نيز اشاره شد؛ زيرا ظاهر كلام حضرت (اليماني من اليمن) در روايت اخير و تعبير (خروج اليماني من اليمن) در روايت نخست به قرينه جملة (خروج السفياني من الشام) که قبل از آن مطرح شده، اين است كه حضرت محل خروج وي را «يمن» معرفي كرده است.

ه‍. در جاي ديگر نيز امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد: «سه شخص: خراساني، سفياني و يماني در يكسال و يكماه و يك روز خروج مي‌كنند» (مفيد، همان: ج2، ص446).

و. در روايت يعقوب سراج از امام صادق عليه السلام نيز آمده است:

خدمت حضرت صادق عليه السلام عرض كردم: چه وقت فرج و گشايش شيعيان شما فرا مي‌رسد؟ فرمود: زماني كه بين فرزندان عباس اختلاف و نزاع رخ دهد و حكومتش سست شود و كساني كه گمان نمي‌رود بر آنان هجوم آورد و حكام عرب از جايگاه خود به زير آورده شود و هر صاحب ادعايي تلاش خود را بنمايد و سفياني خارج شود و يماني قيام كند و حسني به پا خيزد. آن‌گاه صاحب الامر عليه السلام از مدينه به سمت مكه حركت كند در حالي كه ميراث پيامبر صلي الله عليه و آله را با خود دارد (نعماني، همان: ص27).

در اين روايت نيز خروج يماني، همانند خروج سفياني و حركت سيد حسني كه شايد مراد همان سيد خراساني مذكور در روايات باشد، اندكي قبل از ظهور حضرت مهدي عليه السلام يا متصل به آن، ذكر شده است. خود تعبير «واقبل اليماني» در اين روايت، بيانگر اقدامات تمهيدي و زمينه ساز جناب يماني در جهت استقبال از حضور حضرت قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف، مي‌باشد.

6. اهداف و ويژگيهاي قيام يماني: ميان شخصيت‌هاي مؤثر در زمينه سازي و قيام براي دفاع و حمايت از حضرت حجت عجل الله تعالي فرجه الشريف، هيچ شخصيتي همانند يماني و قيام او در روايات، مورد تجليل و عنايت قرار نگرفته است. قيام يماني از جهت قداست هدف و خلوص انگيزه و دعوت به سوي حق از سوي ائمه عليه السلام بيش از ديگران، مورد تأييد و تكريم خاص قرار گرفته است:

الف. امام صادق عليه السلام در توصيف قيام يماني مي‌فرمايد: «هيچ پرچمي و حركتي در هنگامه ظهور، رشد يافته‌تر از حركت يماني نيست. او مردم را به سوي حق هدايت و راهنمايي مي‌كند» (طوسي، همان: ص446).

ب. در روايت ابي بصير از امام صادق عليه السلام نيز آمده است:

در ميان پرچم‌هاي برافراشته شده هيچ پرچمي مثل پرچم يماني هدايت بخش نيست. پرچم وي هدايت است، چون وي مردم را به سوي صاحب شما دعوت مي‌كند، پس هنگامي كه يماني قيام كرد، فروش سلاح بر مردم حرام خواهد بود. در آن هنگام بايد به سوي وي شتافته شود چون او پرچمدار هدايت است. بر هيچ مسلماني روا نيست كه از وي روي بگرداند وگرنه اهل آتش خواهد بود چون او به سوي حق و راه مستقيم فرا مي‌خواند (نعماني، همان: ص253).

تعابير و فرازهاي به كار رفته در اين حديث شريف، گوياي درخشش شخصيت ممتاز يماني هنگام ظهور و صحت قيام و انقلاب وي است. جالب اين است كه اين توصيفات درباره يماني كه وي را شخصي مورد تأييد و لازم الاتباع معرفي كرده، بعد از قراردادن آن در كنار سيد خراساني در صدر روايت بوده است؛ يعني بعد از اين‌كه قيام يماني را با قيام خراساني هم‌زمان ذكر نموده، فرازهاي ذيل روايت در مقام تجليل از شخصيت منحصر به فرد وي و تأييد كامل قيام او، با تأكيد مكرر بيان شده است كه قيام يماني را از نظر خلوص انگيزه و صداقت در اهداف، از ديگران متمايز مي‌كند.

در اين رابطه توجه به دو نکتة مهم، ضروري است:

نکتة اول، تأييد محكم روايات، بر حقانيت قيام يماني و امضاي كامل جنبش يماني است؛ نظير آنچه در فقرات «ليس في الرايات أهدي من راية اليماني»، «هي راية هدي»، «فإن رايته راية الحق»، «يهدي إلي الحق و إلي طريق مستقيم»، «لأنه يدعوا إلي صاحبكم» و… مشاهده مي‌شود. در اين فقرات، كلمه «هدي» كه مطلق ذكر شده و نيز تعبير «أهدي»، گوياي مشروعيت كامل اين قيام است. نيز تعابيري كه در جهت تعليل انگيزه‌هاي قيام يماني به كار رفته، وجه حقانيت وي را در دعوت به سوي حق و امام زمان عليه السلام بيان كرده است.

نکتة دوم، وجوب حمايت از قيام يماني است؛ چنان‌که در روايت قبل، امام صادق عليه السلام مردم را به پيوستن و همراهي وي مكلف كرده است و مخالفت و پشت كردن با او را نه تنها حرام، بلکه مستلزم كفر و شقاوت دانسته و اهل آتش شدن اعلام كرده است؛ چنان‌که پيش‌تر اشاره شد.

علاوه بر حرمت مخالفت فكري با وي، مخالفت عملي و عدم اطاعت از وي را در ممنوع بودن فروش اسلحه نيز ياد آور شده است كه همه اين‌ها بيانگر اهميت و نقش برجسته حركت انقلابي يماني در مقايسه با ديگران در آستانة ظهور حضرت عجل الله تعالي فرجه الشريف و هجوم فتنه‌ها در آن عصر و زمان است.

اما اين‌كه چرا در روايات نهضت يماني، هدايت بخش‌تر از ديگران توصيف شده و وجه برجستگي و استقامت پرچم وي ميان ديگر پرچم‌ها و قيام‌ها چيست، پرسشي است که با تأمل در روايات قبل، مي‌توان پاسخ آن را به دست آورد.

در اين‌باره، نويسندة کتاب عصرظهور، چند وجه را ياد آور شده است كه توجه به آن، حائز اهميت است:

وجه اول اين‌كه سيستم رهبري سياسي در يمن، از جهت سادگي و قاطعيت، نزديك‌تر به اسلام و دستورات مربوط به توسعه و گسترش اسلام و الزامات آن است.

وجه دوم اين‌كه ممكن است اين امتياز، به سبب وجود نيروهاي مطيع، مخلص و تسخير‌ناپذير در سپاه يماني ‌باشد.

وجه سوم اين‌كه ممكن است عدم پايبندي و عدم تعهد به عناوين ثانوي و معاهدات بين المللي حركت يماني، موجب برتري نهضت وي در آن شرايط باشد؛ برخلاف نهضت خراساني از ايران كه با توجه به سابقة سياسي و تعهدات متقابل با نظام‌هاي بين المللي، در چنين وضعيتي قرار ندارد.

وجه چهارم اين‌كه قيام يماني به دليل اين‌كه به ديدار حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف نائل شده و مستقيماً از رهنمودهاي امام عليه السلام بر خوردار است، خالص‌تر و مطمئن‌تر از قيام‌هاي ديگر است (كوراني، همان: ص159).

نويسنده عصر ظهور در نهايت، وجه اخير را ترجيح مي‌دهد؛ ولي دليلي وجود ندارد كه جناب يماني در خروجش مستقيما از حضرت عجل الله تعالي فرجه الشريف دستور بگيرد يا اين‌كه شخصاً با حضرت ديدار داشته باشد؛ بنابراين در توجيه و تحليل برتري و هدايت بخشي قيام يماني، وجه اول و وجه سوم مناسب‌تر به نظر مي‌رسد.

غير از آنچه اشاره شد، گروه‌هاي ديگري نيز هستند که هنگام ظهور، براي ياري امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، از مناطق مختلف قيام مي‌کنند و به لشکريان پيروز حضرت مي‌پيوندند. اين نيروها، از مناطق مختلفي مثل کوفه، شام، مصر و… به سوي حضرت به پا مي‌خيزند. در برخي روايات از اين نيروها و مجموعه ها، با عناويني همچون: «ابدال»، «نجبا» و «عصائب» ياد شده است (مجلسي، همان: ج51، ص88). در برخي روايات، از اهالي طالقان به عنوان ياران و اصحاب حضرت مهدي عليه السلام، تجليل شده است. از امام صادق عليه السلام درباره اهالي طالقان، نقل شده است که فرمود: «براي قائم عليه السلام، گنجي است در طالقان که نه طلا است و نه نقره» (همان: ج52، ص308). همچنين از امير المؤمنين عليه السلام نقل شده است که فرمود:

خوشا به حال طالقان، که از براي خداوند عز و جل در آن گنج‌هايي است نه از جنس طلا و نه از نقره و لکن درآن مرداني است اهل ايمان که خدا را از روي معرفت شناخته‌اند، آنان انصار و ياوران مهدي در آخر الزمان خواهند بود (همان: ج51، ص87؛ كوراني، همان: ج3، ص82).

و روايات مشابه ديگري نيز در اين زمينه نقل شده است. از ميان مجموعه نيروهايي که از مناطق مختلف براي حمايت و ياري رساني امام مهدي عليه السلام به پا مي‌خيزند، در اين شرايط حساس و تاريخي، تنها رزمندگان خراساني و يماني به صورت يک نيروي منظم و داراي آرايش نظامي، در صحنه ظاهر شده و به ايفاي نقش مي‌پردازند. ظاهراً ميان حرکت نيروهاي تحت امر شعيب بن صالح و نيروهاي خراساني نيز ارتباط و هماهنگي کامل وجود دارد. اين نيرو‌ها بعد از طغيانگري سفياني در آستانة ظهور، از مناطق مختلف به صورت ضربتي وارد عراق شده و با سپاه سفياني به نبرد مي‌پردازند. به همين سبب، آنان در حمايت از امام مهدي عليه السلام و مقابله با دشمنان آن حضرت، نقش مؤثر و برجسته تري نسبت به ديگران خواهند داشت.

آنچه اشاره شد، صرفاً نمونه‌هايي از قيام عدالت خواهانه‌اي بود که بر اساس روايات در هنگامه ظهور براي حمايت از قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف رخ مي‌دهند. البته اين به معناي انحصار ياوران مهدي عليه السلام در هنگام ظهور در موارد ذکر شده نمي‌باشد.

منابع

1. ابن بابويه قمي، ابوجعفر محمد بن علي، الخصال، قم، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين.

2. ابن بابويه قمي، ابوجعفر محمد بن علي، كمال الدين وتمام النعمه، قم، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين.

3. ابن حماد مروزي، ابوعبدالله نعيم، الفتن، انگلستان، كتابخانه المتحف، خطي.

4. ابن طاووس، رضي الدين علي بن موسي، الملاحم والفتن في ظهورالغائب المنتظر، بيروت، موسسة الاعلمي.

5. ابن منظور، محمد، لسان العرب، قم، نشرادب الحوزه.

6. اربلي، ابوالحسن علي بن عيسي بن ابي الفتح، كشف الغمه في معرفة الأئمه، بيروت، دارالكتب الاسلاميه.

7. بحراني، هاشم، المحجة فيما نزل في الحجة بيروت، مؤسسة الوفأ، 1403ق.

8. بحراني، هاشم، حلية الابرارفي فضائل محمد وآله الاطهار، قم، دارالكتب العلميه.

9. بحراني، هاشم، غاية المرام في حجة الخصام عن طريق الخاص والعام، بيروت، مؤسسة الاعلمي.

10. حرعاملي، محمد بن الحسن، اثبات الهداة، قم، چاپخانه علميه.

11. حرعاملي، محمد بن الحسن، الايقاظ من الهجعه،قم، دارالكتب العلميه.

12. حسيني واسطي زبيدي، محمد مرتضي، تاج العروس، كويت، دارالهدايه، 1385ش.

13. حلي، رضي الدين علي بن يوسف بن المطهر، العدد القويه لدفع المخاوف اليوميه، قم، كتابخانه مرعشي نجفي.

14. حلي، يوسف حسن بن مطهر، المستجاد من كتاب الارشاد، قم، كتابخانه آيت‌الله مرعشي.

15. ديلمي، ابو محمد، ارشاد القلوب، بيروت، موسسه الاعلمي.

16. شيخ طوسي، ابوجعفرمحمد بن حسن، الغيبه، تهران، كتابفروشي نينوي.

17. صافي گلپايگاني، لطف‌الله، منتخب الاثر، چاپ دوم، قم، انتشارات حضرت معصومه عليها السلام، 1421ق.

18. صفار قمي، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائرالدرجات في فضائل آل محمد صلي الله عليه و آله، قم، كتابخانه آيت‌الله مرعشي.

19. طبرسي، فضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسيرالقرآن، قم، دارالكتب الاسلاميه.

20. طبري، محمد بن جرير بن رستم، دلائل الامامه، قم، كتابفروشي رضي.

21. طبسي نجفي، محمد رضا، الشيعة والرجعة، چاپخانه الآداب، نجف اشرف، 1385ش.

22. عاملي، محسن امين، اعيان الشيعه، بيروت، دارالتعارف.

23. عبدالباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، قاهره، الطبع الثاني1408ق.

24. عروسي حويزي، عبدعـلي بن جمعه، نورالثقلين، قم، چاپخانه علميه.

25. عياشي سمرقندي، محمد بن مسعود، تفسيرالعياشي، تهران، كتابفروشي اسلاميه.

26. فتال نيشابوري، محمد، روضة الواعظين، انتشارات الرضي، قم.

27. کوراني، علي، عصرظهور، ترجمة عباس جلالي، 1378، قم، سازمان تبليغات اسلامي.

28. کوراني، علي، معجم احاديث المهدي، مؤسسه معارف اسلامي، قم، 1411ق.

29. كاظمي، مصطفي، بشارة الاسلام، تهران، كتابخانه نينوالحديثه.

30. كليني رازي، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه.

31. متقي هندي، علاء الدين علي، كنزالعمال في سنن الاقوال والافعال، بيروت، مؤسسة الرساله.

32. متقي هندي، علاءالدين علي، البرهان في علامات مهدي آخرالزمان، چاپخانه خيام، قم.

33. مجلسي، محمد باقر، بحارالانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء.

34. معروف (الدين راوندي)، ابوالحسين سعيدبن هبة الله، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسة الامام مهدي.

35. مقدس شافعي، يوسف بن يحيي، عقدالدرر في اخبارالمنتظر، عالم الفكر، قاهره.

36. نعماني، محمد بن ابراهيم، الغيبة، تهران، كتابفروشي صدوق.

37. نوري طبري، ميرزا حسين، مسدرك الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.